



۱. رامی توان به عنوان معادل فارسی مناسب برای قسمت مشخص شده ذیل در نظر گرفت.

And you know how touchy and suspicious these old men are. They get so wrapped up in themselves.
(From: The Red Letter)

الف. غرق افکارشان هستند.

ب. خیلی در خودشون فرو رفته اند.

ج. خیلی خود را درگیر کرده اند.

د. نسبت به خودشون خیلی حساسند.

۲. را می توان به عنوان معادل فارسی مناسب برای قسمت مشخص شده جمله ذیل در نظر گرفت.

He'll see in half a second that you are putting him off and never forgive it. (From: The Red Letter Day)

الف. او را کنار گذاشته ای.

ب. می خواهی از سر باز کنی.

ج. ... ندید گرفتی اش.

د. ... نمی خواهی او را جدی بگیری.

۳. معادل فارسی مناسب قسمت مشخص شده جمله ذیل گزینه می باشد.

We had it until we were sick of it. (From: Death in the Wood)

الف. مریضمان کرد.

ب. دلمان را زد.

ج. . حالمان را بهم زد.

د. خسته مان کرد.

۴. معادل مناسب جمله ذیل می باشد.

"Kuno, how slow you are." (From: The Air-Ship)

الف. چقدر لغتش می دهی، کنو.

ب. تیزباش عجله کن، کنو.

ج. کنو، چقدر معطل می کنی.

د. کنو، این قدر معطل نکن.

۵. معادل فارسی مناسب جمله ذیل در نظر گرفته می شود.

And in the arm-chair there sits a swaddled lump of flesh. (From: The Machine Stops)

الف. هیكل بشكه مانندش را روی صندلی می اندازد.

ب. بر روی صندلی توده گوشت در هم تنیده ای می نشیند.

ج. هیكل تنومندش را روی صندلی جای می دهد.

د. مثل یک تکه گوشت بزرگ بر روی مبل می افتد.

۶..... را می توان به عنوان ترجمه مناسب قسمت مشخص شده در نظر گرفت.

There were three of the big birds squatted obscenely, while in the sky a dozen more sailed,... (From: The Snows of Kilimanjaro)

- الف. سه تا از آن پرندگان بزرگ به طرز کریهی نشسته بودند.
ب. سه پرنده عظیم الجثه به طرز چندان آوری نشسته بودند.
ج. آن سه پرنده بزرگ به طرز چندان آوری نشسته بودند.
د. سه پرنده غول پیکر به طرز فجیعی نشسته بودند.

۷..... معادل مناسب فارسی قسمت مشخص شده جمله ذیل در نظر گرفته می شود.

"I'm only talking," he said. "It's much easier if I talk. But I don't want to bother you." "You know it doesn't bother me," she said. (From: The Snows of Kilimanjaro)

- الف. می دونی اصلا از حرفات ناراحت نمی شم.
ب. می دونی حرفات اذیتم نمی کنه.
ج. تو که می دونی حرفات من رو اذیت نمی کنه.
د. تو که می دونی حرف زدنت منو ناراحت نمی کنه.

۸..... معادل فارسی مناسب جمله ذیل در نظر گرفته می شود.

A FOURTH planed down to run quick-legged and then waddle slowly toward the others. (From: The Snow of Kilimanjaro)

- الف. پرنده چهارمی بر زمین نشست، اردک وار می دوید و بعد پابرچین به طرف پرنده های دیگر رفت.
ب. پرنده چهارمی بر زمین نشست، در حالیکه تند و کوتاه قدم برمی داشت پابرچین به بقیه ملحق شد.
ج. لاشخور چهارم فرود آمد. اول چند قدم تند و کوتاه برداشت بعد پیش بقیه رفت و آنجا نشست.
د. چهارمین لاشخور فرود آمد، ابتدا تند تند دوید اما بعد به آهستگی به دیگران ملحق شد.
۹. معادل مناسب قسمت مشخص شده جمله ذیل می باشد.

"Where did you read that? You are such a bloody fool." (From: The Snow of Kilimanjaro)

- الف. تو یه احمق بیشعوری.
ب. عجب احمق بد ذاتی هستی.
ج. خیلی بیشعورو کثافتی.
د. چه نفهم بیشعوری هستی.

۱۰..... را می توان معادل فارسی مناسب برای ذیل در نظر گرفت.

He began to puff again at his pipe without giving us his theory. (From: The Sisters)

- الف. شروع به مکیدن چپش کرد و از نظریه اش هیچ نگفت.
ب. پکی به چپش زد اما از نظریه ای که در ذهن می پروراند هیچ نگفت.
ج. باز شروع به پک زدن چپش کرد بی آنکه نظریه خودش را به ما بگوید.
د. بدون آن که راجع نظریه اش حرفی بزند شروع به مکیدن چپش کرد.



۱۱. معادل فارسی مناسبی برای قسمت مشخص شده جمله ذیل می باشد.

He returned to his pipe and finally spat rudely into the grate. (From: The Sisters)

الف. مثل مردم خشن در میان آتش تف کرد.

ب. با بیشرمی تمام آب دهانش را در بخاری انداخت.

ج. با پرویی آب دهانش را در آتش انداخت.

د. با وقاحت در بخاری تف کرد.

۱۲. معادل فارسی مناسب سطر مشخص شده، شعر ذیل می باشد.

The muttering retreats of restless nights in one- night cheap hotels (From: T.S. Eliot Selected Poems)

الف. نجوای نرم از حرکت بازدارنده

ب. در پیج پیج خلوتگاه های

ج. زمزمه های دور از ذهن

د. با زمزمه های بازدارنده

۱۳. را می توان معادل مناسب قسمت مشخص شده شعر ذیل دانست.

There will be Time; there will be time to prepare a face to meet the faces you meet. (From: T.S. Eliot Selected Poems)

الف. برای آماده کردن صورتکی که صورتک دیگر را ملاقات کند

ب. چهره ای می سازد تا بتواند چهره هایی را که ملاقات کرده ای، ببیند

ج. تا چهره ای بسازد که ببیند چهره هایی که می بینی

د. برای ساخت صورتکی که می بیند صورتک هایی را که ملاقات می کنی

۱۴. معادل فارسی مناسب قسمت مشخص شده شعر البوت می باشد.

With a bald spot in the middle of my hair- / (They will say: "How his hair is growing thin!") (From: T.S. Eliot selected Poems)

الف. چه تارهای موی نازک و شکننده ای دارد!

ب. چه قدر موهایش کم پشت شده است!

ج. چرا موهایش این قدر نازک و شکننده شده اند!

د. چگونه موهایش هر روز می ریزد!

۱۵. معادل فارسی مناسب قسمت مشخص شده شعر ذیل تلقی می گردد.

In a minute there is time For decisions and revisions which a minute will reverse. (From: T.S. Eliot Selected Poems)

الف. آنجا فرصتی است در یک لمحہ برای تصمیم ها و بازدیدها که در یک لمحہ واژگون می شوند.

ب. یک دقیقه زمانی است که در آن تصمیماتی گرفته و در چشم برهم زدن واژگون می شوند.

ج. دقیقه همان فرصتی است که برای بازدید و اتخاذ تصمیماتی که در یک لمحہ واژگون می شوند، نیاز داریم.

د. در دقیقه ای فرصتی است برای تصمیم ها و بازدیدها که دقیقه ای وارونه می کند.



۱۶. روزها گر رفت گو رو باک نیست تو بمان ای آنک چون تو پاک نیست...

..... معادل انگلیسی مناسب برای مصرع مشخص شده بالا می باشد.

- a. You would remain eternally since there's nothing pure like Thou
- b. Since there's no one pure like Thou, so Thou remain for ever
- c. Do Thou remain, for none is holy as Thou art
- d. You'll remain because no one is as holy as you are

۱۷. آسمان چون خیمه ای بر پای کرد. بی ستون کرد و زمینش جای کرد.

..... را می توان به عنوان ترجمه صحیح بیت فوق در نظر گرفت.

- a. He endowed the Sky upon the Earth like a tent, it has no pillars as a sign of bondage
- b. God has made the Universe, 'tis like a tent and without any pillars it's been fixed
- c. The Holy Creator has placed the Heaven above our Universe; it's been attached to Earth without any pillars
- d. He raised the firmament above the earth as a tent, without pillars to uphold it

۱۸. معادل فارسی مناسب برای جمله ذیل می باشد.

Bob was playing in the garden while George was swimming in the pool.

الف. زمانی که جرج در حال شنا در استخر بود، باب مشغول بازی در باغ بود.

ب. درحالی که جرج مشغول شنا در استخر بود، باب در باغچه بازی می کرد.

ج. باب داشت در باغ بازی می کرد و جرج هم در استخر مشغول شنا بود.

د. هنگامی که باب در باغچه بازی می کرد، جرج در استخر شنا می کرد.

۱۹. ترجمه مناسب جمله ذیل می باشد.

A boy was playing the piano and singing a song. Suddenly there was a knock at the door.

الف. همان طور که پسرک مشغول نواختن پیانو و خواندن آواز بود، ناگهان صدای کوبیده شدن در به گوش رسید.

ب. پسر پیانو می نواخت و آواز می خواند. ناگهان در زدند.

ج. پسری درحال نواختن پیانو و خواندن آواز بود که ناگهان صدای کوبیده شدن در را شنید.

د. پسرک پیانو می نواخت و آواز می خواند که ناگهان صدای در را شنید.

۲۰. ترجمه مناسب جمله ذیل عبارت از می باشد.

John, you're going to bed early tonight.

الف. جان امشب زود بخواب.

ب. جان امشب داری زود به رختخواب می روی.

ج. امشب قصد داری زود بخوابی جان؟

د. امشب زود نمی خوابی جان؟



۲۱. John's mother feels sure that her son will be returning home.

۲۱. معادل فارسی مناسب برای جمله بالا می باشد.

الف. آنچه که مادر جان درباره اش یقین دارد مسئله بازگشت پسرش به خانه است.

ب. مادر جان یقیناً "می داند که پسرش در حال بازگشت به خانه است.

ج. مادر جان مطمئن است که پسرش به خانه برمی گردد.

د. مادر جان اطمینان دارد که پسرش مشغول بازگشت به خانه است.

۲۲. هنگام تصحیح اوراق او، اشتباهات زیادی یافتم را می توان به عنوان معادل انگلیسی مناسب برای جمله فوق در نظر گرفت.

a. Having corrected his paper, many mistakes have been found by me.

b. When I corrected his paper, I found many mistakes.

c. In correcting his exercise, I found many mistakes.

d. I found many mistakes as I had been correcting his exercise.

۲۳. Michael had been working for ۴۰ years before he retired

..... را می توان به عنوان معادل فارسی مناسب برای جمله فوق در نظر گرفت.

الف. مایکل قبل از آن که بازنشسته شود، چهل سال مشغول کار بود.

ب. مایکل چهل سال کار کرد تا بازنشسته شود.

ج. مایکل چهل سال کار کرده بود تا بازنشسته شد.

د. مایکل چهل سال پیش از بازنشستگی اش کار کرد.

۲۴. معادل فارسی مناسب برای جمله ذیل می باشد

He is thought to have been waiting for a message.

الف. تصور کردند که او قرار است پیغامی دریافت کند.

ب. گویا منتظر پیغامی بوده است.

ج. انگار قرار بود به او پیغامی داده شود.

د. بنظر می رسد باید پیغامی را به او داد.

۲۵. تصمیم گرفتند منافع به نسبت مساوی تقسیم شود

..... را می توان به عنوان معادل مناسب برای جمله فوق در نظر گرفت.

a. Dividing the profits equally was what they decided about.

b. They decided that the profits be divided equally.

c. They were firm to have equal portion of the profits.

d. They were firm to divide the profits equally.



۲۶. If Fred had had time, he would have taken a long vacation.

معادل فارسی مناسب برای جمله فوق می باشد.

الف. اگر فرد وقت می کرد، مرخصی طولانی می گرفت.

ب. اگر فرد وقت می کرد، می توانست مرخصی طولانی بگیرد.

ج. اگر فرد وقت داشت، مرخصی طولانی می گرفت.

د. در صورت داشتن وقت کافی، فرد باید مرخصی طولانی می گرفت.

۲۷ George would like to have passed the final exam

معادل فارسی مناسب برای جمله فوق عبارت از می باشد.

الف. جورج دوست داشت می شد در امتحان نهایی قبول شد.

ب. جورج دوست داشت در امتحان نهایی قبول می شد.

ج. قبول شدن در امتحان نهایی خواسته جورج است.

د. جورج قبول شدن در امتحان نهایی را دوست دارد.

۲۸. I shall have cleaned the room before you return

..... را می توان ترجمه مناسب جمله فوق در نظر گرفت.

الف. قبل از مراجعت تو من اتاق را تمیز کرده ام.

ب. قبل از مراجعتت اتاق تمیز شده است.

ج. تا وقتی که برگردی اتاق تمیز خواهد شد.

د. اتاق را پیش از آمدن تو تمیز می کنم.

۲۹. If you would wait a moment. I will connect you to your colleague

معادل فارسی مناسب جمله فوق عبارت از می باشد.

الف. لطفاً کمی صبر کنید تا بین شما و همکاران ارتباط برقرار کنم.

ب. اگر صبر کنید ارتباط شما را با همکاران برقرار خواهیم کرد.

ج. عجله نکنید تا به شما و همکاران ارتباط بدهم.

د. اگر کمی صبور باشید به شما و همکاران ارتباط خواهیم داد.

۳۰. The strike leader urged the workers to show the bosses that they were united

..... ترجمه مناسب جمله فوق می باشد.

الف. کارگران اعتصاب کننده با اجبار رهبرشان اتحاد خود را به رؤسا نشان دادند.

ب. رهبر اعتصاب کنندگان کارگران را ترغیب کرد که به رؤسا نشان دهند که متحد هستند.

ج. با تشویق رهبر اعتصاب کنندگان، کارگران به رؤسا نشان دادند که متحد می باشند.

د. رهبر اعتصاب کنندگان از کارگران خواست تا اتحاد خود را به رؤسا نشان دهند.